

## گفتیم امنیت خط قرمز است



صفحه ۲

سخننامه ۲۳ بهمن ۱۴۰۲ | ۱۱ اردیبهشت ۱۴۴۵ | ۲۳ اردیبهشت ۱۴۴۵ | سال شانزدهم | شماره ۳۶۲ | ۳۶۲ | صفحه ۳۰۰۰ | فوران

## وطن امروز

۱۸۷ سال و ۱۶۱ روز گذشت |



صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ | VOL. 16 | NO. 3962 | TUE. JAN. 23, 2024 | ISSN: 2008-2886

## مردم حوصله کنند!

## یادداشت روز

## پاسخ مدبرانه به دست و پا زدن های اسرائیل

[ مهدی بختیاری ]

رژیم صهیونیستی بعد از گذشت بیش از ۱۰۰ روز از طوفانی ترین نبرد با گروه های مقاومت فلسطینی، همچنان وضعیت بدی دارد.



دولت نتایج به دلیل شکست های سنگین در این نبرد و عدم تحقق اهدافش - به رغم هزینه های زیاد - به شدت زیر فشار سیاسی از داخل سرزمین های اشغالی قرار دارد که روز به روز هم بر تندی اظهارات مقامات سیاسی این رژیم علیه دولت افزوده می شود و طبق اخبار منتشر شده، کلبینه اضطرابی این رژیم - که برخی سران اپوزیسیون دولت نظیر بنی گانتس نیز به دلیل وخامت اوضاع به عضویت آن درآمده بودند - در یک قدمی فروپاشی قرار دارد. در چنین موقعیتی که نتایج می داند پایان جنگ به این شکل برای او و دولتش چه تبعات سنگینی خواهد داشت، گسترش دامنه درگیری، نه اینکه راهکار مطلوب او باشد ولی ظاهراً تنها گزینه پیش روی او است؛ بویژه که دولت صهیونیستی ارتباط چندین مطلوبی نیز با دولت فعلی آمریکا ندارد و بایدن هم با توجه به نزدیکی انتخابات ریاست جمهوری در این کشور، راغب به ورود مستقیم به درگیری نیست. شاید از این منظر بتوان هدف اسرائیل در ترو فرماندهاان ایرانی و دیگر گروه های جبهه مقاومت از جمله حزب الله لبنان را اینطور تحلیل کرد که اسرائیل همه تلاش خود را برای باز کردن پای ایران به درگیری مستقیم به کار گرفته است. صهیونیست ها از ابتدای عملیات توفان الاقصی که با غافلگیری ها و ضربات اساسی مواجه شدند، سعی کردند ایران را پشت پرده این ماجرا معرفی کرده و به این ترتیب علاوه بر اینکه از زیر بار سنگین شکست از حماس خارج شوند، کمک بیشتری نیز از سوی ایالات متحده آمریکا دریافت کنند.

اگر به نوع ترورها و واکنش های بعدی اسرائیل - که در آنها فرماندهان یا نیروهای ایرانی به شهادت رسیدند - نگاه کنیم، متوجه می شویم این رژیم دیگر آن تحفظ سابق را هم کنار گذاشته است و اگر بعد از ترور جمعی از نیروهای حزب الله لبنان در منطقه قیطره سوریه در ۲۷ دی ۹۳ که سردار شهید الله نادی نیز در میان آنها بود، مقامات اسرائیل اعلام کردند قصدشان ترو فرمانده ایرانی نبوده و با اعلام اینکه از وجود او در این جمع اطلاع نداشتند، نمی خواستند ترورهای مستقیم با ایران درگیر شوند ولی در ترورهای اخیر، نهنها چنین ابایی ندارند، بلکه به طور مشخص می توان فهمید سران اسرائیل به عمد تلاش می کنند ایران دقیقاً این پالس را دریافت کند و حتی در رسانه های اسرائیلی، قبل از ترو فرماندهان سپاه، گرای آنها داده می شود. اسرائیل در طول ۹ سال اخیر، ۱۹ تن از مستشاران ایرانی را فقط در سوریه به شهادت رسانده که ۵ تن آنها در عملیات حمله هوایی اخیر به منطقه «لمزه» در دمشق به شهادت رسیدند و علاوه بر این، ترورهای دیگری از فرماندهان را در تهران و داخل کشور نیز انجام داده است. با این حال جمهوری اسلامی ایران اگرچه در مواردی پاسخ این اقدامات صهیونیست ها را داده اما از ورود به زمین بازی طراحی شده توسط این رژیم (ورود به جنگ) پرهیز کرده است.

این رویکرد جمهوری اسلامی البته یک رویکرد کاملاً عقلانی و آینده نگر است اما مطالبه افکار عمومی در گرفتن انتقام و دادن «پاسخ سخت» به صهیونیست ها نیز نباید مورد غفلت قرار بگیرد. این گزاره که در فضای رسانهای مطرح است چندان نمی تواند دقیق باشد که «ایران با باید سنسکوت کند یا وارد جنگ شود». جمهوری اسلامی ایران علاوه بر ادامه روند معقول پرهیز از جنگ (که در دهه های گذشته بارها نشان داده این مساله خط قرمز نظام است)، می تواند پاسخ ضربات صهیونیست ها را هم به شکل مقتضی، روشن و واضح بدهد. به هر حال در جنگ ترکیبی که این روزها علیه ایران و جبهه مقاومت راه افتاده توجه به افکار عمومی و حفظ پستی پرستی کشور و از آن بالاتر، حفظ قدرت بازدارندگی نیز نباید مورد غفلت قرار بگیرد. حتماً ترورهای روزافزون رژیم صهیونیستی علیه فرماندهان ایرانی آن هم در شرایطی که در آن گرفتار شده، تلاشی روشن برای هل دادن کشورمان به وسط جنگ است که باید از آن پرهیز شود اما عدم پاسخ مناسب نیز موجب سرخوردگی افکار عمومی و ضربه به بازدارندگی در برابر تهدیدات بعد خواهد شد.

ادامه در صفحه ۶

## با کناره گیری دی سانتیس به نفع ترامپ، رقابت نیکی هیلی با رئیس سابقش جدی تر شد

## دونگ تندرورها



Rory Griffiths/FGetty Images

صفحه ۷

تأملی پیرامون حضور نرم رژیم صهیونیستی در کشورهای پیرامون ایران

## با کردستان عراق چه کنیم؟

به دست آورده بود برای برخی احزاب کردی فرستاد و در مقابل، آنها اطلاعات مهمی را در مورد ارتش عراق و آرایش جنگی این کشور و تعداد هواپیماهای جنگی قابل پرواز در عراق در اختیار اسرائیل قرار دادند. گفتنی است اهمیت اقدامات اسرائیل در کردستان عراق سال ۱۹۷۳ با حمله نیروهای مشترک مصر و سوریه به اسرائیل مشخص شد. این رژیم که از حمله اعراب در تنگنا قرار گرفته بود و پیوستن ارتش قدرتمند و مجهز عراق به اتحاد ۲ کشور عرب می توانست اسرائیل را در وضعیت نامساعدتری قرار دهد، به تحریک کردها علیه دولت عراق و ایجاد یک جبهه جنگ در شمال این کشور اقدام کرد تا مانعی جدی برای حضور عراق در جنگ علیه اسرائیل و کاهش فشار نظامی اعراب بر این رژیم ایجاد کند. اگرچه اسرائیل در طول تاریخ به شیوه های مختلف کردها را به مبارزه علیه حکومت عراق تشویق و نزد رهبران کرد از استقلال طلبی کردها حمایت کرده است اما از منظر استراتژیک اسرائیل هرگز مایل پیروزی و استقلال کامل کردها نبوده، بلکه عمده ترین هدف اسرائیل از اعطای کمک های مالی و تسلیحاتی به برخی کردها تضعیف حاکمیت عراق و افزایش بحران های منطقه ای بوده و از این طریق توانسته است در کردستان عراق حضور موجه و گسترده ای داشته باشد.

## نیاز اقتصادی کشورهای پیرامونی

در پی روابط اقتصادی اسرائیل با همسایگان و کشورهای بازرگان پیرامونی برای خروج از انزوا و منطقه ای، می شد استدلال کرد که این رژیم در پوشش روابط اقتصادی به دنبال عادی سازی روابط سیاسی و گسترش روابط امنیتی با این کشورهاست. این مسیر جدید این پنداشت را بررسی می کند که نیازهای اقتصادی کشورهای پیرامونی جمهوری اسلامی ایران و در مقابل امکانات و ظرفیت های اسرائیل موجب شده است این رژیم در پوشش روابط اقتصادی، عادی سازی روابط سیاسی و گسترش روابط امنیتی با کشورهای مذکور را دنبال کند. با توجه به ضعف ساختارهای اقتصادی در کشورهای منطقه، بدیهی است روابط تجاری با اسرائیل برای آنها از سر ناچاری سودآور است. با این حال اسرائیل در نظر دارد روابط اقتصادی را به وابستگی اقتصادی تبدیل کند و در پوشش آن، روابط سیاسی و امنیتی با این کشورها را گسترش دهد.

قراردادهای اقتصادی بلندمدت، تسهیل روابط تجاری با آمریکا از طریق گسترش روابط اقتصادی با اسرائیل، ارائه ظرفیت های تکنولوژیک و فنوارانه منطبق با نیازهای هر کشور و فعال کردن شرکت های وابسته به خود در کشورهایی که روابط سیاسی با اسرائیل ندارند از جمله اقدام هایی است که رژیم صهیونیستی برای پیشبرد سیاست نفوذ اقتصادی خود در مناطق پیرامونی جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته است. در همین راستا اهداف صهیونیست ها در خاک عراق عمدتاً شامل نقش اطلاعاتی پیشگیرانه

و خرید و تصاحب اراضی بهانه مناسبی را برای حضور اسرائیل در شمال عراق فراهم ساخته است.

## روای استقلال

پس از اشغال عراق تمایل برخی سران اقلیم به برقراری ارتباط با اسرائیل بیشتر شده است زیرا کردها بویژه به این امر واقفند ایجاد یک دولت مستقل کرد بدون کمک و حمایت آمریکا غیرممکن است. بنابراین آنها سعی می کنند آمریکا را به قبول و پذیرش خواسته خود وادار کنند. از نظر آنها اسرائیل تنها رژیمی است که می تواند از طریق لابی قدرتمند خود، آمریکا را وادار به اتخاذ سیاست شفاف در مقابل کردها کند، همچنین خلاً استراتژیک ناشی از سرنگونی صدام در عراق فرصت مناسبی را در اختیار اسرائیل قرار داد تا که از تمرکز بر منافع و اهداف ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک که از اهمیت اساسی در استراتژی سیاسی و نظامی اش برخوردار است، شمال عراق را به عنوان هارتلند ژئوپلیتیک خود مدنظر قرار دهد، همچنین باید خاطر نشان کرد اسرائیل شدیداً نگران است عراق در کنار لبنان و سوریه به دشمنی تازه علیه تل آویو تبدیل شود و به گروه کشورهای حامی مقاومت بپیوندد. عراق سال ۲۰۰۳ که آمریکا به آن حمله کرد و رژیم بعث در آن سرنگون شد تهدیدی برای اسرائیل محسوب نمی شد اما اکنون با خروج نیروهای آمریکایی و افزایش نفوذ ایران و گسترش روابط بغداد - تهران، تل آویو از این می ترسد که عراق به دشمنی جدید در خاورمیانه آن هم در چارچوب نقشه مقاومتی که ایران در منطقه ترسیم کرده تبدیل شود، همچنین باید آنگاه که یکی دیگر از مهم ترین اهداف اسرائیل از حضور در شمال عراق پس از سقوط صدام، مانع از تشکیل یک دولت قدرتمند و یکپارچه از نظر سیاسی و نظامی در عراق است. تحقق این هدف باعث کاهش تهدید علیه اسرائیل و به هم خوردن موازنه قدرت در منطقه به نفع آن می شود. از نظر اسرائیل، برای دستیابی به این هدف باید از تجزیه عراق حمایت کرد و کردهای عراقی را به این سمت حرکت داد.

## سیر تاریخی حضور نرم اسرائیل در اقلیم کردستان عراق

از نظر تاریخی اقدامات اسرائیل برای حضور و نفوذ در شمال عراق را نمی توان صرفاً به دوران پس از اشغال نظامی عراق و سقوط رژیم بعث در این کشور محدود کرد. اسرائیل از زمان تاسیس دولت یهود در فلسطین با مخالفت کشورهای عربی و تشکیل جبهه متحد عربی علیه خود مواجه بوده است از این رو تلاش برای نامن کردن عقبه کشورهای مخالف اسرائیل و ایجاد یک جبهه متحد در پشت جبهه عربی برای اسرائیلی ها از اهمیت استراتژیک برخوردار بوده است. به همین دلیل اقدامات اسرائیل برای نفوذ در مناطق کردنشین و ارتباط با کردهای عراق، که همچنین یک دولت مستقل کرد، همچنین مهمی است. اسرائیل به نفع فلسطین و عدم حمایت از مبارزات متشکل یک دولت مستقل کردها برای دستیابی به استقلال و مهم تر از همه تلاش کردها برای دستیابی به استقلال و تشکیل یک دولت مستقل کردها، همچنین مهمی است. اسرائیل به نفع فلسطین و عدم حمایت از مبارزات اسلام گرایانه، زمینه مناسبی را برای حضور اسرائیل در شمال عراق فراهم کرده اند و در کنار آن اقدامات رژیم صهیونیستی نظیر تسلیح و آموزش نظامی اکراد

## یادداشت محدثه رضایی: به گفته اکثر پژوهشگران تاریخ، ایران با کردهای شمال عراق دارای اشتراکات فرهنگی و تاریخی بوده و هستند. برای مثال زبان کردی بخشی از زبان های ایرانی است، همچنین ایران و کردستان عراق در بازه های زمانی بسیار از جمله زمان مبارزات علیه رژیم صدام، بسیار با یکدیگر همکاری کرده و ایران مأمنی برای رهبران کرد (طالبانی و بارزانی) تا پایان جنگ علیه رژیم صدام بود و این همکاری ها حتی تا عصر کنونی و روی کار آمدن تروریست های تکفیری داعش و خطر نابودی اقلیم کردستان عراق که منجر به همکاری و مساعدت نظامی موفق ایران با اقلیم شد ادامه داشته است؛ آن هم در شرایطی که ائتلاف بین المللی و برخی شرکای نزدیک به اقلیم، این منطقه را تنها گذاشته بودند. در این راستا حضور به موقع و مساعدت ایران به کردها موجب پیروزی و ثبات مجدد این منطقه شمال عراق شد. ناگفته نماند ایران و اقلیم کردستان عراق دارای چند منطقه مرزی تجاری هستند و صادرات و واردات و خرید و فروش کالا و انرژی همواره برقرار است، هر چند با توجه به ظرفیت موقع و مساعدت تاریخی و فرهنگی این مبادلات بسیار کم است، از این جهت که ساختارها و عقبه فرهنگی مشترک موجب کیفیت و پیوست ناگسستگی روابط پایدار اقتصادی و در ادامه سیاسی - و در روابط فی مابین خواهد شد و باید دید جمهوری اسلامی ایران در سال های اخیر با وجود رقبای منطقه ای و فرماندهی در این عرصه، از چه میزان ظرفیت بالقوه و بالفعل خود استفاده کرده است که با توجه به آمارها متأسفانه باید گفت بسیاری از کارکردها و ظرفیت های مغفول مانده است. در ادامه با توجه به حملات اخیر ایران به اربیل به نقش و اهداف استراتژیک رژیم غاصب صهیونیستی در این منطقه می پردازیم.

■ **اهداف بزرگ اسرائیل در کردستان (نیل تا فرات)** اسرائیل با استفاده از تحولات ژئوپلیتیک جدید منطقه در صدد دستیابی به اهداف دیرینه خود در منطقه غرب آسیا یعنی ایجاد اسرائیل بزرگ و عملی کردن ایده از نیل تا فرات است. به این منظور کردستان عراق می تواند نقش هارتلند ژئوپلیتیک اسرائیل را ایفا کند. حضور اسرائیل در منطقه کردستان عراق به واسطه وجود نفت (کرکوک)، آب، نامن کردن عقبه کشورهای مخالف اسرائیل، تجزیه عراق، کنترل جریانات فکری منطقه، کسب مشروعیت و... است. همچنین کردها به دلیل گرایش های سکولار و پیشینه تاریخی حضور یهودیان کرد در عراق و اختلافات داخلی بین گروه های کرد و تنش اکراد با اعراب و مهم تر از همه تلاش کردها برای دستیابی به استقلال و تشکیل یک دولت مستقل کردها، همچنین مهمی است. اسرائیل به نفع فلسطین و عدم حمایت از مبارزات اسلام گرایانه، زمینه مناسبی را برای حضور اسرائیل در شمال عراق فراهم کرده اند و در کنار آن اقدامات رژیم صهیونیستی نظیر تسلیح و آموزش نظامی اکراد

## تیتراهای امروز

پیکرهای پاک شهیدان صادق امیدزاده، حسین محمدی و محمدامین صمدی با حضور گسترده مردم در شهر ک شهید محلاتی بدرقه شد

## تشییع

## شهدای دمشق



گزارش «وطن امروز» درباره وضعیت قیمت مسکن در سال آینده

## ثبات به شرط

## نهضت ملی

۵ کشته در تیراندازی یک سرباز به همزمان خود در کرمان؛ قاتل دستگیر شد

## قتل در پادگان



## هدف:

## تثبیت صدرنشینی

قلعه نوپویی: با تمام توان و قوا به میدان می رویم

حاج صفی: آماده پیروزی بر امارات هستیم

بنخوا: ایران بازیکنان خوبی دارد

## نگاه

## چرا اروپاییان وحشت زده اند؟

**حنیف غفاری:** بدون شک هیچ یک از شهروندان اروپایی در ابتدای قرن بیستم، تصور نمی کردند فاجعه های به وسعت ۲ جنگ اول و دوم جهانی در اروپای به اصطلاح مدرن و صنعتی رخ دهد اما این اتفاق به بدترین نحو ممکن افتاد امروز نیز در اروپای بیست و دومین تمایل عجیبی نسبت به «بازگشت به گذشته» پیدا شده که می تواند دوباره قاره سبز را غرق خون و آشوب کند! نهادگرایی ژنئیتی اتحادیه اروپایی و همگرایی صوری اقتصادی منطقه یورو و حتی پیمان ناکارآمد شننگن جملگی خود را در بین افکار عمومی اروپا از دست داده اند. ملی گرایی افراطی که در سال های ابتدایی قرن بیست و یکم حکم یک «ضد ارزش مطلق» را در قاموس اجتماعی - سیاسی اروپا داشت، اکنون تبدیل به یک برند و پرستی زوشننگرانه شده و سوسیال - دموکراسی و محافظه کاری سنتی (جرمان راست میانه در اروپا) هر دو، روز به روز بیشتر در بین شهروندان مغفول می شوند.

این بار نیز تحولات اروپای جدید از سرزمین بیسمارک و هیتلر آغاز شده است! تظاهرات علیه ایده های حزب «الترناتیو برای آلمان» و بسیاری گروه های راست افراطی این کشور که به مدت یک هفته ضرابهنگ روزانه به خود گرفته، در سرتاسر آلمان ادامه دارد. از ایالت نورت راین وستفالیا گرفته تا زاکسن و هامبورگ، شهروندان آلمانی از ترس بازگشت نازیسم به خیابان ها ریخته اند و به گونه ای خواستار اخراج نژادپرستان ها می شوند که گویا «هیتلر» و «گوگلز» در مفر قدرت در برلین نشسته و مشغول رهبری کشورشان هستند. آنچه منجر به وحشت زدن ها از بازگشت به قرن بیستم شده، افشاگری سایت «کورتیو» از برگزاری یک جلسه جنجالی در «پتندام» بوده است. در این جلسه (که نوامبر ۲۰۲۳ برگزار شده است)، اعضای اصلی حزب جایگزینی برای آلمان (AFD) به همراه برخی سران نژادپرست و حتی برخی نژادپرستان سران دموکرات - مسیحی (حزب اپوزیسیون دولت کنونی آلمان) حضور داشته اند. آنها در این جلسه، بر اخراج گسترده مهاجران و حتی سلب تابعیت برخی افراد به دلیل عدم انطباق آنها با آنچه ارزش های آلمانی (۱) خوانده می شود، تاکید کرده اند. در این مذاکرات، مارتین سلنر، رهبر جنبش هویت گرای اتریش نیز حضور داشته است. او معتقد است مهاجران غیر سفیدپوست در حال تسخیر اروپا هستند و باید با هر تاکتیک و ابزاری برای انهدام جوامع چند فرهنگی در اروپا اقدام کرد. برابستی چه اتفاقی در سرزمین ژرمن رخ داده است؟ بازگشت آشکار نسل جدید نازی ها به برلین را چگونه و بر اساس کدام واقعیات باید مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؟

ادامه در صفحه ۶

بازگشت همه به سوی اوست

## برادر ارجمند جناب آقای حاج حسین شر یعتمداری

مصیبت درگذشت اخوی بزرگوار را به جنابعالی تسلیت گفته، برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر از درگاه ایزد متعال مسالت دارم.

حمیدرضا مقدمفر - مشاور فرمانده کل سپاه